



آبادان بلزده ۶۰ آخرین ساخته مهر داد خوشبخت، یک نکته ویژه هم دارد و آن فیلمبرداری پروژۀ است. مهدی جعفری که سال گذشته با فیلم «۲۳ نفر» در جشنواره حضور داشت، امسال در مقام مدیر فیلمبرداری به جشنواره بازگشته است. حالا باید ببینیم فیلمی که با دو کارگردان ساخته شده است، چه حال و هوایی دارد.



امتحان از دختر نوجوان فیلم سونیا حداد که در تب و تاب امتحان است، آنقدر خبر کسب جایزه از جشنواره‌های داخلی و خارجی شنیدیم که عقبت باجایزه بزرگ هیئت داوران جشنواره موسسه فیلم آمریکا، شرط لازم برای رقابت در اسکار ۲۰۲۱ را به دست آورد. صدف عسگری همان بازیگر نوجوان است که به تازگی برنده جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره ساندنس آمریکا نیز شده است.

گفت و گو با مزدک میرعابدینی؛ بازیگر فیلم «ابر بارانش گرفته»:

هم سینما و هم سوپرستارها در آینده تغییر می‌کنند

محمد رضا کاظمی

امروز در میان سینماگران، چهره‌های آکادمیک زیادی داریم، افرادی که جدا از داشتن سابقه چندین ساله به طور مستقیم در عرصه هنر، به طور آکادمیک هم هنر هفتم را فرا گرفته‌اند تا بتوانند به صورت تئوری و عملی، سینما را بفهمند و به مخاطبان نشان بدهند. یکی از این چهره‌ها مزدک میرعابدینی است؛ بازیگری که در میانه پنجمین دهه عمرش، امسال با فیلم «ابر بارانش گرفته» در جشنواره حضور دارد. میرعابدینی از آن دست هنرمندانی است که شاید به اندازه کاری که برای سینما کرده، شناخته شده نیست و خیلی‌ها صرفاً او را به واسطه نقش‌های ریز و درشتی که در آثار سینمایی مختلف بازی کرده به یاد می‌آورند. (مثل فیلم‌های «پدر و بغداد» و «مصادره») اما او در زمینه‌های کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی نیز دستی بر آتش داشته و در طول این سال‌ها در این حوزه‌ها نیز فعالیت‌های زیادی داشته است. در روزهای ابتدایی جشنواره، گفت‌وگویی صمیمانه با این هنرمند داشتیم؛ هم در خصوص آخرین ساخته مجید برزگر و ویژگی‌هایش و هم در خصوص تغییر ساختار سینمایی، از داستانی به مستند.



خوب دیده شدند.

نمی‌دانم، شاید من این‌گونه شده‌ام و مستندها بیشتر روی من تأثیر می‌گذارد و گویا سینمای داستانی باید خیلی زحمت بکشد تا به من ثابت کند که این اثر واقعی است. در کل حرف من این است که این ماجرای تغییر سینما، داستان سلبریتی شدن را هم در برمی‌گیرد.

یعنی سینمای رئال هم درگیر همین نوع نگاه خواهد شد؟

بله، انگار که تا یک شخصیت واقعی نباشد من باورش نمی‌کنم، یا واقعیتی که در فیلم می‌بینیم بر این به مراتب جذاب‌تر است.

خب از بحث فیلم خیلی دور نشویم، چه چیزی در «ابر بارانش گرفته»، وجود دارد که فکر می‌کنید مخاطب سخت‌پسند جشنواره‌ای، پای کار می‌ایستد و از آن استقبال می‌کند؟

این فیلم، چهارمین اثر بلند مجید برزگر است و مطمئنم که تجربه فیلم‌های قبلی‌اش را در آن گنجانده است. به جز خود او و کارگردانی‌اش، تیم تولیدمان هم تیم خوبی بود. آقای لمینی و ایرج شهزادی، مسئولان تصویر و صدای فیلم هم خیلی قوی بودند و خود برزگر هم از نظر کارگردانی فراتر از یک فیلم هنر و تجربه‌ای کار کرد.

من معمولاً زمانی که با بچه‌های هنر و تجربه سر پروژۀ هستم، دخالت بیشتری در کار می‌کنم، ولی در این فیلم این‌طور نبود و بیشتر دوست داشتم از مجید یاد بگیرم و ببینم که نگاه او نسبت به کار دقیقاً چیست. به همین دلیل هم امیدوارم این فیلم علاوه بر اینکه بچه‌های خاص‌پسند را ترغیب به دیدن کند، جهان‌شمول‌تر هم باشد و مخاطب عام را هم به سینما بکشد.

من به عنوان سوپرستار کار حضور دارم! الان بیست سالی می‌شود که در سینما هستم، (البته چند سالی آمریکا بودم) ولی به خاطر رفتارها و رویکرد خودم به مساله شهرت، هنوز این برچسب بازیگر بکر روی من هست و این برای خودم به شخصه جالب است

شما بازیگر بکری نیستید و کارنامه‌تان مشخص است، ولی یک سری از بازیگران خودشان تبدیل به برند شدند و چه خواهیم و چه نخواهیم، در دسته سوپرستارها و بازیگران مطرح گیشه‌ای قرار گرفتند.

بله، برای شوخی آن مساله را عنوان کردم. من هم این دوستان را می‌شناسم و معمولاً با هم از این مدل گفت‌وگوها داریم. ولی من احساس می‌کنم در کل سینما کم‌کم فیلم و قصه، از بازیگران مهم‌تر می‌شود. حس می‌کنم سینما به سمت مستند شدن می‌رود، واقع‌گرایی در آن حرف اول را می‌زند و این ماجرا کم‌کم بازیگران را هم در برمی‌گیرد. یعنی هرچه واقعیت امروز ما سورئال‌تر و عجیب‌تر می‌شود، سینما نیز خودش را به آن بعد مستندگونه و جدید نزدیک‌تر می‌کند. برای من این مساله خیلی جالب است و فکر می‌کنم تاریخچه بازیگری هم نسبت به آن شکلک‌ها و عکس‌های قدیمی که از چند سال پیش آغاز شده، در حال واقعی‌تر شدن است و احساس می‌کنم این است که آینده، سینما را به مستند شدن سوق می‌دهد.

آینده سینمای ایران را این‌طور تصور می‌کنید یا سینمای جهان را؟ **اچون این روزها فیلم‌های فلتزی و اقتباسی از کمیک‌ها، حرف‌های زیادی برای گفتن دارند و مخاطبان نشان جهانی است.**

من صرفاً در مورد سینمای ایران صحبت نمی‌کنم و سیر تحول سینمای جهان را این‌طور می‌بینم. خیلی از فیلم‌های خوبی که در این چند سال اخیر دیدم مستند بوده است، مثلاً مستند «تایسون» را ۱۲، ۱۰ بار دیده‌ام و هر بار هم بر این شگفت‌انگیز بوده است.

در اینکه مستندهای تاثیرگذاری در این چند سال تولید و پخش شده شکی نیست، ولی سینمای داستانی و آثار دیگر هم این سال‌ها

آقای میرعابدینی، ویژگی این فیلم چه بود که قبول کردید در آن ایفای نقش کنید؟

من خیلی دوست داشتم با مجید برزگر یک فیلم کار کنم. فیلمنامه را خواندم و احساس خوبی به آن داشتم و این افتخار را داشتم که در این پروژه همکاری کنم. البته نقشم در این فیلم مکمل است ولی به نظر من تجربه خوب و آرامی بود. یعنی از نظر نسلی، به نظرم فیلم جالب و تاثیرگذاری از آب درآمد.

ماجرای داستان این فیلم دقیقاً چیست؟

داستان فیلم، داستان اتنازی یعنی زمانی است که یک نفر در آستانه مرگ است اما هنوز به طور کامل این اتفاق نیفتاده و اعضای خانواده‌اش تصمیم می‌گیرند که این اتفاق برای آن شخص بیفتد یا خیر. قصه این فیلم در اصل حول محور یک پرستار می‌چرخد؛ پرستاری که مقداری از زمان فیلم در تهران است و بیماران مختلفی دارد، ولی به شمال می‌آید و پرستار یک خانواده می‌شود، خانواده‌ای که پسر بزرگ آن من هستم و باید با دیگر اعضا تصمیم بگیریم که برای پدرمان چه کاری انجام دهیم، دست به اتنازی بزنیم یا نه؟ و ماجرای اصلی فیلم اینجا شروع می‌شود.

فکر می‌کنید مخاطب عام می‌تواند با این کار ارتباط بگیرد؟ چون متأسفانه در چند سال اخیر مردم به خاطر دیدن سوپرستارها به سینما می‌روند و این فیلم چون سوپرستاری ندارد، ممکن است در زمان اکران شنش ضرر به بخورد.

البته من به عنوان سوپرستار کار حضور دارم (الان بیست‌سالی می‌شود که در سینما هستم، البته چند سالی آمریکا بودم) ولی به خاطر رفتارها و رویکرد خودم به مساله شهرت، هنوز این برچسب بازیگر بکر روی من هست و این برای خودم به شخصه جالب است.

